

## نظری به کتاب

فناجویی یا انسان خدایی؟ پژوهشی در عرفان ایرانی و حکمت قبلای

اسفندیار طبری

پژوهشگر و مدرس فلسفه، آلمان Global Research Institute

سایت: [Https://gsr.institute](https://gsr.institute)



شیریندخت دقیقیان کتابی نگاشته که برای نقد عرفان ایرانی و شناخت منابع تعصب آلود تاکنونی، اهمیت بسیاری دارد. او در این کتاب به طور سیستماتیک در ابتدا به واژگان و مفاهیمی می پردازد که تاکنون در فرهنگ ایرانی نسبت به آنها شناختی وجود نداشته، ولی پایه های تاریخی مفاهیم عرفانی هستند. شناختن و تعمق در حکمت قبلای بدون شک می تواند پنجره های تازه ای نه تنها در شناخت عمیقتر عرفان ایرانی، بلکه برای کشف دلایل انحطاط در بخشی از تفکر سنتی ایرانی بگشاید. دو مقوله مهم و مرکزی تحقیق نوآور شیریندخت دقیقیان، فناجویی در برابر انسان خدایی و انسان کامل در برابر کمال انسانی است. او نشان داده که پی گرفتن هر یک از گزینه ها چه پیامدهایی برای فرهنگ ها و به ویژه برای فرهنگ ایران داشته است. دقیقیان می نویسد:

در کتاب حاضر کوشیده‌ام مفاهیمی را بازبینی کنم که نسل در نسل بدون فکر و سنجشگری در تحلیل‌های عرفانی اساتید و پایان‌نامه‌های تحصیلی فرمایشی تکرار و آبخورهای حقیقی مفاهیم عرفانی پنهان شده‌اند تا مسخ آنها آسانتر گردد و متشرعان عارف‌نما بتوانند میراث بزرگ متفکران انسان‌خدایی در ایران را زیر آوار خوانش‌های انحرافی، مدفون کنند.

از دید من، زیر تک تک کلمات و اصطلاحات آن زبان عرفانی که نظریه‌های الانسان‌الکامل و ولایت‌مداری و فرض‌صغارت‌انسان را درون خود پرورده، باید دینامیت گذاشت، آنها را منفجر کرد و به دنبال یک چنین کاوش باستان‌شناسی ساخت‌شکنی، عناصری از فرهنگ پویای سرزمین و منطقه‌ی تاریخی ما را از دل تاریخ، بازیابی کرد. (سایت رادیو زمانه ۱۴ ژانویه ۲۰۲۳)<sup>۱</sup>

پی‌گرفتن رشته‌استدلال‌های تاریخی، متنی، هرمنوتیک و تاریخ‌فلسفه و عرفان این تحقیق اندیشه‌ساز برای تفکر ایرانی‌مدرن، جز با خواندن آن ممکن نیست، اما اگر بخواهم فهرست وار و به ایجاز تزه‌های این تحقیق را شرح دهم، بخشی از مقدمه‌مصاحبه‌دکتر محمدرضا نیکفر و شیریندخت دقیقیان در مورد این کتاب را بازگو می‌کنم:

اگر بخواهیم خلاصه‌ای از نظریه‌های مطرح در کتاب حاضر معرفی کنیم، می‌توانیم بگوییم که این اثر پژوهشی با بررسی پیش‌زمینه‌های تاریخی و متون عارفان انسان‌خدایی ایرانی مطرح می‌کند که متشرعان و فقیهان پس از سرکوب خونین عارفان این نحله، نوعی دیگر از عرفان را - که دقیقیان با وام‌گرفتن اصطلاحی در شعری از شیخ بهایی آنرا "فناجویی" می‌نامد- جایگزین آن ساختند و در لفافه‌های عرفانی، مفاهیم مسموم‌الانسان‌الکامل، قطب، ولی، ولایت و سرانجام ولایت فقیه را به درون افکار جامعه رسوخ دادند. نویسنده در این مسیر، عناصر مکتب انسان‌خدایی را که به قول او می‌توانست راهگشای نوزایی زودرسی در خاورمیانه باشد، بررسی می‌کند. از جمله در بخش‌هایی مشخص به این عناصر می‌پردازد: رواداری، کثرت‌گرایی فرهنگی و دینی، اهمیت همزمان به سلامتی جسم و روح و پرورش تن و روان، آیین‌های جوانمردی و همیاری، خلاقیت ادبی، فولکلور و حکایت‌گویی، اهمیت به سطوح چندگانه‌ی تفسیر، اهمیت به فردیت منحصر به فرد هر انسان، تعلیم و تربیت و منش فکری کمال‌یابی انسان (برخلاف تز الانسان‌الکامل که نویسنده آنرا پایه‌ی فرض‌صغارت‌انسان و تز ولایت فقیه می‌داند) و عناصر دیگر.

<sup>۱</sup> <https://www.radiozamaneh.com/749584/>

خواننده همزمان با خواندن گزیده هایی از عارفان ایرانی، با خاستگاه قبالایی مفاهیم انسان خدایی و گزیده-هایی از متون این حکمت یهودی آشنا می شود.

دقیقین در بخشی از کتاب به دنبال شرح سرگذشت و آراء متفکران انسان خدایی ایرانی، با استفاده از نظریه های گرشوم گرهارد شولم، متفکر و تاریخ نگار آلمانی، به بررسی مناسبات عارف با اقتدار دینی می پردازد و سپس تحلیل تاریخی خود را از تفاوت سرنوشت عارفان ایرانی انسان خدایی با همتایان یهودی خود ارایه می دهد. او تفاوت اصلی سرگذشت این دو دسته از فرهیختگان خاورمیانه در قرون وسطی را در این امر می بیند که متشرعان و فقیهان در سرزمین های اسلامی درون قدرت حکومتی و مجری قانون دین و عامل سرکوب عارفان انسان خدایی بودند و کوچکترین سازشی با عارفی که اقتدار آنها را به چالش می گرفت نداشتند. حال آنکه در جوامع یهودی، رهبران دینی فاقد قدرت حکومتی بودند و از قرن اول میلادی برای تضمین بقای جوامع یهودی در محیط های دشمنانه، فقیهان و قبالایی ها در یک نهاد تلمودی گرد آمدند و حتی مشهورترین قبالایی ها، ربی آکیوا، ربی ابا و ربی شیمون بریوحای، از نویسندگان اصلی تلمود یا بدنه ی شرع یهود بودند. در قرون وسطی و پس از آن به ویژه در اسپانیا، جنوب فرانسه و اروپای شرقی و روسیه که یهودیان از کشتارها و آزارهای مداوم در فقر و افسردگی به سر می بردند، خود اقتدار دینی یهودیان، آیین های عرفانی شادی بخش همچون موسیقی و رقص و طنز فولکلور را نهادینه ساختند که مکتب خسیدیزم از آن برآمد کرد. (سایت رادیو زمانه ۱۴ ژانویه ۲۰۲۳)<sup>۱</sup>

قبالا یا کبالا عرفان نظری و عملی یهودیان بر اساس متون توراتی و تفسیرهای باطنی و رمزی از آنها است و بدون شک تاثیر بسیار بزرگی در سیر اندیشه عرفانی ایرانی داشته است. نویسنده کتاب، سرنخ این تاثیرها را در تاریخ و سیر تکوین متون عرفانی و ادبیات عرفانی تا به امروز دنبال کرده است. کبالایی ها نظام هستی را بر اساس سطوح نیروهای خلقت که در ذات خود نور به معنای گسترده کلمه هستند، بیان می کند و ارتباط با این سطوح نیروهای هستی را با رفتارهای اخلاق مدار، خودشناسی، تحول درون و راه های عملی پالایش سطوح نفس انسانی برای هر فرد و در زندگی زمینی و روزمره ممکن می داند. از دید قبالا هدف انسان دریافت نور برای رشد خود و سپس سرریز ساختن آن به باقی مراتب عالم است. کبالا در طول قرن ها یکی از عواملی بوده که بر فلسفه غربی تأثیر داشته است. در قرون وسطی، کبالا به عنوان یکی از مبانی فکری اصلاحات در مسیحیت موثر افتاد. بسیاری از فیلسوفان و متفکران مسیحی، از جمله توماس اکویناس به بررسی و نقد آن پرداختند. همچنین، بسیاری از مسیحیان به طور مخفی کبالای مسیحی را علیه جزم اندیشی کلیسا شکل دادند و به مفاهیم آن روی آورده اند.

<sup>۱</sup> همان جا

فلسفه نور اشراق سهروردی، نمونه واضحی از تاثیراتی است که از فلسفه نور قبلائی گرفته است. فلسفه نور اشراق سهروردی، نمونه واضحی از تاثیراتی است که از فلسفه نور قبلائی گرفته است. با توجه به اینکه سهروردی در دوران خود با فرهنگ یهودی و آثار فلسفه و عرفانی یهودی آشنا بوده است، می توان گفت که یکی از مهمترین تأثیرات بر سهروردی، تأثیر افکار و آثار مشهور متفکر یهودی، موسی بن مایمون (معروف به مایمونیدس) بوده است. او در اثر "مراغه الفلاسفه" از آثار و افکار مایمونیدس الهام گرفته بود. سهروردی به مایمونیدس به عنوان یکی از علمای مشهور یهود و از معتقدان به توحید وجودی اشاره کرده است. همچنین، سهروردی در آثار خود به مسائلی از جمله وحدت وجود، تفکر عرفانی، نقش ذهن در رسیدن به حقیقت، تأمل در جمالیات طبیعت و غیره پرداخته است که همگی از نظر تاریخی پیشتر در عرفان یهودی مطرح شده بودند. فلسفه نور سهروردی به عنوان یکی از مهمترین فلسفه های اسلامی در برخورد با مسائل عرفانی و معرفتی، تحت تأثیر چندین مکتب و فلسفه قرار گرفته است. بنابراین، می توان گفت که عرفان یهودی نیز یکی از منابع تأثیرگذار بر فلسفه نور سهروردی بوده است. اما در عین حال، باید توجه داشت که فلسفه نور سهروردی به عنوان یک فیلسوف ایرانی، بسیاری از اصول و مفاهیم خود را به ویژه از مکتب فلسفی اشراق، ابوعلی سینا، به دست آورده است.

عرفان کبالیستی، عرفانی است، که به گونه ای که در فلسفه اشراق سهروردی با آن آشنا هستیم، نظر به تکامل انسانیت یا کمال انسانی دارد. دقیقا همین هسته مرکزی کمال انسانی است، که از آدامیسم یا اومانیسم عبری بر می خیزد. برای سهروردی دو راه برای رسیدن به نور یا کمال انسانی وجود دارد: از راه عقل و خرد و یا از راه شهودی و عرفانی رسیدن به نفس درون خود، که هر دو شیوه های خاص خود را دارند و به تفصیل به آن ها می پردازد. سهروردی تحت تاثیر کبالا به دنبال ایده کمال انسانی رفت و در این راه جان خود را نثار کرد. بسیاری فیلسوفان اسلامی به دنبال ایده انسان کامل رفتند و یک فلسفه سیاسی بر مبنای انسانی کامل و مطلق در راس جامعه بنا نهادند، که ادامه آنرا تا امروز به صورت ولایت فقیه در حکومت اسلامی می بینیم.

تاثیر عمیقی که فلسفه یهود با فیلسوفانی چون ابن مایمون بر روشنگری غربی داشته و نیز تاثیر روش قبلائی بررسی و تفسیر معنای مخفی و معمایی متون توراتی بر تحولات دینی مسیحیان و غنای هرمنوتیک نزد فیلسوفان روشنگری، غیر قابل کتمان است. کانت و هگل با سیستم های فکری یهودیان آشنایی کامل داشتند و حتی هایدگر متأثر از هرمنوتیک یهود بود. مارتین بوبر قبلا را پایه مکتب خسیدیزم یهودیان اروپای شرقی می دانست و مفاهیم آنرا وارد فلسفه گفتگوی خود کرد. این پرسش که مبانی قبلا چیست بهترین و کاملترین پاسخ خود را در تحقیق دقیقیان می - یابد که خوانندگان را به آن رجوع می دهم. به طور خلاصه می توان گفت، که نقد اندیشه ایرانی، بدون نقد اندیشه

عرفانی که در درون فرهنگ ایرانی جای دارد، ممکن نیست. این جمله پایانی در کتاب دقیقان (ص ۲۳۸) همه چیز را در خود نهفته دارد:

در یک خوانش امروزی می توان دید که فارغ از نیت مولفان اولیه، درون و پیرامون تر انسان کامل، اسباب و ملزوماتی فراهم آمد، که بعدها در جوامع خاورمیانه برای تحکیم خودکامی و حکمرانی به نام آسمان، به کار گرفته شد و سرانجام نظریه ولایت فقیه از دل این توهمات قرون وسطایی در دوران مدرن پدیدار گشته، عامل اسارت ملت ایران شد.

شیریندخت دقیقان که سال ها است جامعه ایرانی از نوشته های خلاق، خدمات تحقیقی، سردبیری و شرح ها و ترجمه های او در قلمروهای فلسفه و فرهنگ برخوردار بوده، اینک کتابی ارزشمند نگاشته که امیدوارم مورد بررسی و پژوهش اندیشمندان ایرانی قرار گیرد. این اثر پایه ای استوار به دست می دهد تا بتوان با دیدگاهی نقادانه و منصفانه نسبت به عرفان ایرانی به ریشه های آن رسید و عناصر رسوخ کرده در تار و پود اندیشه ایرانی را تجزیه و تحلیل کرد.

اسفندیار طبری، ماه جون ۲۰۲۳

اطلاعات مربوط تهیه کتاب فناجویی یا انسان خدایی:

<https://sites.google.com/view/mypublicationsdirect/home>